

دبیر کمیته کردستان محمد آنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالکبری
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۶۵۸

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۷ دی ۱۳۹۱، ۱۶ ژانویه ۲۰۱۳

سرمد عبدالکبری

اعتصاب عمومی در مریوان نقطه درخشانی در مبارزه علیه اعدام است

شنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۹۱ (۱۲ ژانویه ۲۰۱۳) مریوان



در حمایت از فراخوان خانواده های زانیار و لقمان مرادی و محکومیت حکم اعدام زانیار و لقمان، مردم آزادیخواه مریوان دست به اعتصاب عمومی زدند و گام بلندی جنبش علیه اعدام را به جلو بردند.

طبق گزارشی که به کمیته

صفحه ۲

از سیاه چالهای جمهوری اسلامی، زندان رجایی شهر رفته اند و به این فراخوان جواب مثبت دادند. بجای خبرنگار و صاحب نظر و مفسر سیاسی و اجتماعی، لشکرهای مسلح سپاه و اطلاعات جمهوری اسلامی در اطراف شهر آماده باش هستند. کامیونها آماده شده اند که دستگیر شدگان را به زندان ببرند (ما عملاً در جریان اعتراضات توده ای ۸۸ این صحنه ها را دیدیم)، امکان خبر رسانی وجود ندارد، و این مردم و جوانان هستند که از طریق محافل طبیعی شان اوضاع غیر عادی شهر را به همدیگر و از طریق تویتر و فیس بوک و اینترنت افکار عمومی را مطلع میکنند. شنبه ۲۳ دی ماه در شهر مریوان اتفاقات و تصمیماتی تاریخی اتخاذ و عملی شد که برای بنیان نهادن کانونهای انقلابی یک انقلاب رادیکال در یک شهر، به اندازه کافی نیروی انسانی، تجربه و عمل رادیکال انقلابی را ذخیره کرده است. با این مقدمه به جوانی از اعتصاب و وضعیت فوق العاده شهر مریوان میپردازم. هدف من این است که این تجارب به روحیه اعتماد به خود، تصمیم انقلابی و سازماندهی شبکه هایی که میتوانند در استقبال فراخوان دو جوان در بند



نسان نودینیان

چند دقیقه سیمای شهر مریوان، جنب و جوش شهری که بحالت نیمه تعطیل درآمده است را در گوشه یکی از کشورهای اروپای غربی مثلاً در فرانسه یا آلمان تصور کنید. مردم شهر وقتی از خواب بیدار میشوند و دکمه تلویزیون، کامپیوتر و سایتها را باز میکنند از میدانهای اصلی و یا در استودیوهای خبری شهر ازدحام خبرنگاران و دوربین ها را می بینند که از یک وضعیت غیر عادی در شهر گزارش تهیه میشود. اولین خبر این خواهد بود که "مردم شهر مریوان به اعدام دو جوان اعتراض دارند". تعدادی خبرنگار و صاحب نظر و بیننده ها هم دیده میشوند که در مورد این وقایع نظر میدهند. حال از این رویا بیرون بیایم، مثل همیشه به کشوری استبداد زده - استبداد مذهبی - در ایران برگردیم. مردم شهر مریوان در ۲۳ دی ماه به استقبال فراخوان دو جوان در بند

شهر مریوان وارد اعتصاب شد

تعطیل به خود گرفته و مغازه ها در سراسر شهر تعطیل شده است. مردم مریوان تصمیم گرفته بودند از ساعت ۳ تا ۵ به اعتصاب صفحه ۴

طبق گزارش فعالین کمیته بین المللی علیه اعدام شهر مریوان از ساعت ۳ بعد ازظهر وارد اعتصاب طبق گزارش لقمان و زانیار مرادی شد. طبق این گزارش شهر حالت

تجمع باشکوه مردم سلیمانیه علیه حکم اعدام زانیار و لقمان

طبق گزارشی از سلیمانیه کردستان عراق امروز صدها نفر در میتینگی در مقابل استانداری تجمع کردند و خواهان لغو مجازات اعدام و لغو حکم اعدام زانیار و لقمان شدند. در این میتینگ تعداد قابل توجهی علیه اعدام سخنرانی صفحه ۳



http://www.facebook.com/zendani.siasi

صفحه ۴

نامه زندانی سیاسی دربند بهنام ابراهیم زاده

صفحه ۴

متن نامه ۹ زندانی سیاسی از زندان رجائی شهر

صفحه ۴

ترور فعالین حزب کارگران کردستان (پ ک ک) را محکوم میکنیم!

صفحه ۵

جنبش اول ماه مه در کردستان / نسان نودینیان / بخش هفتم

موجی انسانی در جواب فراخوان
زانیار مرادی / طه حسینی
صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ شنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۹۱ ...

از صفحه ۱ اعتصاب عمومی در مریوان ...



مریوان و همه مخالفین اعدام که در روزهای اخیر فعالیت های گسترده ای را به پیش بردند درود میفرستد. اما خطر از بالای سر زانیار و لقمان برطرف نشده است. تا لغو حکم اعدام زانیار و لقمان و آزادی آنها از زندان باید به این تلاش ها در ایران و عراق و در سراسر جهان ادامه داد. اعتصاب عمومی در مریوان زمینه مبارزه گسترده تری را فراهم کرده است. با تمام قوا باید با استفاده از این فضای اعتراضی، برای لغو حکم اعدام زانیار و لقمان مرادی و لغو کلیه احکام اعدام جمهوری اسلامی و برای لغو مجازات اعدام، تلاش هایمان را در مریوان و در کلیه شهرهای کردستان و در همه جا گسترش دهیم. جا دارد که خطاب به صدها جوان پرشور و انقلابی و انسان های آزاده شهر مریوان که در یک هفته اخیر نمونه ای از یک مبارزه توده ای و سازمان یافته را با موفقیت عملی کردند عمیقاً قدرانی کنیم. شما عزیزان کار بزرگی انجام دادید که در تاریخ مبارزه عادلانه مردم ثبت خواهد شد. برای تداوم این مبارزه، ما با تمام قوا در کنارتان هستیم.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ دیماه ۱۳۹۱
۱۳ ژانویه ۲۰۱۳

کردستان حزب رسیده است از ساعت ۳ بعدازظهر اکثر فروشگاهها در نقاط مختلف شهر از جمله میدان جهاد، پاساژ حاج ویسی، پاساژ کردستان، سه راه بهزیستی، چهار راه شبرنگ تا چهار راه اصلی، چهار راه بیمارستان، میدان نادری، روبروی اداره اطلاعات، اداره راه قدیم، جنگلیانی، خیابان جمهوری، شهرک صنعتی، بلوار رسالت، میدان سرباز، چهار راه بایوه و خیابان عبادت بسته شد و شهر حالت تعطیل بخود گرفت. جوانان در چند نقطه شهر با بستن خیابان علیه اعدام شعار دادند.

اقدام مردم مریوان در ادامه اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان در اعتراض به اعدام فرزند کمانگر و همراهانش یکی از نقاط درخشان مبارزه آزادیخواهانه مردم علیه اعدام و جنایات جمهوری اسلامی است. این اعتصاب که با میبیتینگ های اعتراضی در سلیمانیه عراق و در تعداد قابل توجهی از شهرهای اروپا و آمریکای شمالی همراه بود و در کنار فعالیت های گسترده سیاسی تبلیغی در روزهای اخیر، نشانه فضای سیاسی چپ و پرباری است که در جامعه شکل گرفته و پتانسیل بالایی از یک مبارزه توده ای موفق را به نمایش گذاشت.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به مردم آزاده

نیست. جنبشی رو به اعتلا و پیشرو است. مردم مریوان با استقبال انقلابی از فراخوان زانیار و خانواده اش راه و عمل توده ای اعتراض اجتماعی علیه اعدام را نشان دادند. شهر به مرکز اعتراض علیه اعدام و سنگر مبارزه برای لغو مجازات اعدام تبدیل شد.

۳. جنبش مبارزه با اعدام در خارج از کشور و کمیته مبارزه با اعدام و مینا احدی وارد دوره جدید از فعالیت شد. کار صرفاً لایسستی ریزنی و جلسه با نهاد و سازمانهای مخالف اعدام در سطوح مختلف به کار توده ای در شهرهای ایران ارتقا داده شد. شاید این دستاورد یکی از مهمترین دستاوردها تاریخ کنونی جنبش و مبارزه علیه اعدام، است.

۴. یک سنت نوین، خارج از عرف و عرق سازمانی و محافل و سازمانهای سنتی تا کنون تجربه شده، جای خود را به زندان و مردم عادی و خانواده های آسیب دیده و زجر کشیده از دست اعدام، انتقال داد. تا کنون بدرست و از روی احساس مسئولیت انقلابی این سازمانهای سنتی و شناخته شده در جامعه کردستان بودند که تصمیم برای اعتصاب و سازماندادن نارضایتی های توده ای را فراخوان میدادند. اما تجربه اعتراضات توده ای و اعتصاب در شهر مریوان و فراخوانهای زانیار و خانواده اش اینبار از درون جامعه مردم را به اعتراض و اعتصاب کشاند.

۵. بدون حمایت و فراخوان احزاب سیاسی در خارج از کشور این اعتصاب و موج نارضایتی توده ای در مریوان و شهرهای ایران و تعداد زیادی از کشورهای خارج از کشور نمیتوانست با موفقیت پایان برسد. وجود میدیا و برنامه های زنده از جمله برنامه های کانال جدید بزبانهای فارسی و کردی بر ابعاد توده ای این اعتراض و خبر رسانی وسیع و جلب حمایت های توده ای را بیشتر کرد.

۶. اعتراضات کوبنده و اعتصاب در شهر مریوان نفوذ چپ و کمونیستها و شخصیتهای شناخته شده این شهر را برجسته

کشور اعتراضات و نارضایتی هایی در محکومیت مجازات اعدام انجام میشود. به این معنی وضعیت فوق العاده در مریوان اعلام شده بود.

۲. زانیار مرادی با ارسال درد نامه اش خطاب به افکار عمومی در راس این فرماندهی قرار گرفت. «پخش یک دردنامه از درون زندان رجایی شهر، حرفهای دل یک زندانی جوان ۲۱ ساله که از ۱۷ سالگی اسیر دست حکومت بیرحم و انسان ستیزاسلامی شده، جوانی که در بیش از سه سال اسارتش از جانین چیزی جز بی حرمتی و شکنجه و آزار واذیت ندیده، دنیا را به نوعی تکان داد». و زمینه های اجتماعی - سیاسی اعتصاب و وضعیت فوق العاده در شهر فراهم شد.

۳. مردم کردستان تجربه موفق اعتصاب ۲۳ اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۹ را پشت سر نهاده اند. این اعتصاب به اعتراض اعدام فرزند کمانگر و چهار نفر از زندانیان سیاسی انجام شد. و اعلام انزجار توده میلیونی جامعه کردستان علیه اعدام، بود. فرزند کمانگر بعنوان یک چهره محبوب، و معلم مبارز که با ادبیات شیرین و ساده اش نظر میلیونها نفر از مخالفین با اعدام را بخود جلب کرده بود، در دوره حیاتش متأسفانه نتوانست در موضع فراخوان دهنده قرار گیرد. ما فرزند و چهار زندانی سیاسی عزیز را از دست دادیم و به اعتراض به این اعدامها بود که مردم کردستان در شکل سراسری دست به اعتراض و اعتصاب زدند. اما این بار زانیار از درون زندان با دردنامه و با آرام نگرفتنش و برای آزادی از زندان است که مردم یک شهر و هزاران انقلابی و انسان شریف را به اعتراض توده ای فراخوان میدهد. اعتصاب و یا اعتراضات کوبنده مردم شهر مریوان جنبش علیه مجازات اعدام را به این اعتبار چند قدم جلوتر برد. مبارزه انقلابی علیه مجازات اعدام وارد دوره نوین و جدیدی شد. به عرصه اجتماعی جامعه در شهر کشانده شد. این تعرض و این پیشروی قابل برگشت

اعتصاب و انقلاب توده ای آتی کار رژیم جنایتکار اسلامی را تمام کنند، بیفزایند. و امید به اتخاذ تصمیم های بزرگ را بیشتر و بیشتر کند. و فعالیت موردی و چرتکه انداختن برای هر اقدامی را در محاسبات سازمانی و گروهی خفه کردن را به پایان برسانند. و عملاً ما دیدیم و تجربه کردیم که مادام عنصر دینامیک اعتصاب و هر حرکت انقلابی رادیکال شفاف و بدون اما و اگر در صحنه سیاست در جامعه ابراز وجود کند کار چند سال را با چند روز و با فاکتورهای ابرکتیو میتوان سریع و قوی انجام داد.

۱. اعلام اعتصاب عمومی و وارد شدن به اعتصاب یکپارچه در یک شهر با جمعیتی از طبقات مختلف اجتماعی هر روز و با هر خیزش و طغیان و نارضایتی توده ای هم، عملی نیست. اعتصاب خود بر مکانیسم و فاکتورهای متکی است که بتواند حرکت توده ای مردم یک شهر را عملی و به اجرا درآورد. مردم شهر احساس بکنند در این روز معین کاری خارج از روزهای دیگر انجام میدهند. مثلاً مغازه ها را می بندند، اقتصاد و گردش فعالیت یک روز جامعه را که در کنترل حاکمان و نیروهای سرکوبگر است را مختل میکنند، به قوانین نظامی و نیروهایی که بطور اتوماتیک بر آنها حکمرانی میکنند پشت میکنند. و جامعه را با ایجاد قدرتی دوفکتو اداره میکنند. و در دنیای واقعی هم اعتصاب کنندگان کار شاق و عجیب غربی انجام نمیدهند. بجز اینکه متحد شده اند و اعتصاب کرده اند. و در یک کلام "نه" سلبی بزرگی را به حاکمان جامعه اعلام کرده اند. در شهر مریوان عمل اعتصاب به این شکل نسبتاً کلاسیک عملی نشد. اما مردم شهر و شهرهای کردستان و تعداد زیادی از مردم ایران که از طریق رسانه ها و میدیای خارج کشور تحت پوشش قرار داشتند از این مساله مطلع بودند و در ابعاد میلیونی اطلاع داشتند که ۲۳ دی ماه در مریوان و تعداد زیادی از شهرهای خارج از



موجی انسانی در جواب فراخوان زانیار مرادی

از صفحه ۲ شنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۹۱ ...



طه حسینی

"نگذارید مرا اعدام کنند. آیا دنیا اینقدر بیرحم است که این صحنه را تماشا کنند که من و پسر عموم در خیابان اعدام شوم و چیزی نگویید و کاری نکنند". این پیامی بود که زانیار مرادی رو به مردم و همه جهانیان از زندان به بیرون فرستاد. در همان لحظه های اول این پیام صدها بار باز تکثیر شد. صفحات انترنیتی و خبر رسانی مملو از این درخواست نارحت کننده در عین حال جسورانه بود.

اطلاعیه پشت اطلاعیه از جانب ارگانها و کمپین هایی که برای نجات جان انسانها از اعدام و از زندان تشکیل شده اند، کلیپ های ویدیویی از جانب جوانان پخش ویدئوهایی از جانب مادر و پدر زانیار صفحات اینترنیتی و فیسبوک وسیعا از ابراز همدردی و

اعلام انجام دادن هر کاری که ممکن باشد از جانب جنبش علیه اعدام که نشان دهنده آزادیخواهی و انساندوستی است، اعلامیه های شرکت در این حرکت انسانی از جانب مهوش غلاسوندی و مینا احدی، درخواست خانواده زانیار و لقمان از مردم مریوان برای یک اعتصاب عمومی، دفاع ما و تعداد زیادی از شخصیتهای سیاسی مریوان برای اعتصاب عمومی همه و همه نشاندهنده یک حرکت انسانی بود. نکته ای که توجه مرا به خود جلب کرد پیام شاهین نجفی در جواب تعداد زیادی پیام تسلیت بخاطر مرگ مادرش بود. شاهین میگوید: به نام انسان پاسخگویی به محبت های شما، خارج از توان من است. اما ما زمان زیادی نداریم. زنده ها را دریابید. زانیار و لقمان مرادی را فریاد کنید و عکس های سیاه صفحات فیسبوک تان را بردارید. در روزهای جمعه و شنبه این حرکت به اوج خود رسید. اکسیونهای اعتراضی در بیشتر کشورها و در شهرهای مختلف تظاهرات در شهر سلیمانیه و همچنین اکسیونی در آنکارا و جواب مثبت مردم مریوان به فراخوان اعتصاب روز شنبه

مردم شهر مریوان در همان لحظه های اول به این فراخوان پاسخ مثبت دادند و در قسمتهایی از شهر که با زور وادار به باز کردن مغازه و کار شده بودند در بعدظهر با ترک محل کار شهر را به اعتصاب گشاندند.

در این چند روز آنچه اهمیت داشت مرزهای سازمانی و گروهی در این حرکت در هم شکسته شد. در خیلی از موارد قبل از اینکه گروههای سیاسی اعلام موضع کنند، جواب مثبت مخالفین اعدام به این فراخوان بود. این حرکت نشان داد که جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی یک جنبش قوی و عظیم است و میتواند متحد و یک پارچه در مقابل هر نوع زورگویی جمهوری اسلامی به میدان بیاید.

این موج انسانی فقط یک جزء کوچک از یک جنبش عظیم است که ما به عنوان جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی از آن نام برده ایم. در هفته گذشته ما انسانهای شریف و آزادیخواه و برابری طلب نشان دادیم، که میشود و باید برای نجات محکومین به اعدام و برای پایان دادن به مجازات اعدام، متحد و یک پارچه به میدان بیاییم.*

پلاکاردهای زیادی با شعار نه به اعدام، مرگ بر اعدام، زانیار و لقمان را نکشید در دست مردم بود. مردم شعار دادند و خواهان نجات لقمان و زانیار شدند.

زنده باد مردم آزادیخواه
سلیمانیه
زنده باد جنبش بین المللی
علیه اعدام

کمپنه بین المللی علیه اعدام
۱۲ ژانویه ۲۰۱۳
۲۳ دیماه ۱۳۹۱



کردند. اقبال مرادی پدر زانیار و عمومی لقمان یکی از سخنرانان این میتینگ بود که پیام مفصلی را از طرف خانواده های محکوم به اعدام قرائت کرد و با استقبال گرم مردم مواجه شد.

**اساسی سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش باز گرداندن اختیار به انسان است.**

کرد. فعالیتهای همه جانبه آنها و تماس های مسئولانه این شخصیتها بر فضای اعتراضی شهر و دامن زدن به اعتراض را بیشتر کرد. ۷ جدال و کشمکش جمهوری اسلامی و مردم کردستان در سی سال گذشته تابعی از مبارزه، رو در رویی و تغییر تناسب قوا بوده است. این جدال در هر دوره ای تابعی از تعرض طبقات اجتماعی بوده است. در سالهای ۱۳۶۴

بعد در سنج، سقز، مهاباد و تعدادی از شهرها با قدرتیگری جنبش برپایی اول ماه مه ها روز جهانی کارگر که در شکل علنی و با شرکت هزاران نفر از کارگران و شهروندان مزدبگیر برگزار میشد، این تناسب قوا در شکل تعرض کارگران و مزدبگیران جامعه در تقویت حق طلبی و مطالبات روشن در شکل قطعنامه ها ابراز وجود کرد. در مراسم های روز جهانی زن و برگزاری فستیوال های کودکان که توده عظیمی از مردم در شهرها در آن شرکت داشتند، ابراز وجود و علنی جامعه و اعتراضات و حق طلبی هم در فضای سیاسی و مناسبات مردم و جامعه تاثیرات معین و قابل رویت خود را داشته است. اعتراضات توده ای و اعتصاب در ۲۳ دی ماه امسال بر ابعاد سیاسی و کشمکش مردم جامعه با جمهوری اسلامی افزوده شد. در حالیکه جامعه ایران در در شکل

انتخاباتی های ۲۰۱۳

**مجازات اعدام
باید فوراً لغو گردد.
اعدام یا هر نوع مجازات متضمن
تعرض به جسم افراد
(نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره)
تحت هر شرایطی ممنوع است.**

**همچنین مجازات حبس ابد
باید لغو شود.**

متن نامه ۹ زندانی سیاسی از زندان رجائی شهر

از تمامی نهاد ها و مجامع جهانی و انسانهای آزادیخواه می خواهیم به هر طریق ممکن فشارهای خود را بر حکومت در دادن مرخصی به بهنام بیشتر کنند بهنامی که جرمش فقط دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب، حقوق طبقه کارگر و دفاع از کودکان کار و خیابان است، بهنام پدریست زندانی، که سالهاست تنها فرزندش را در آغوش نگرفته و او اکنون در شرایط بسیار خطرناکی بیمار و تحت معالجات شیمی درمانی است.

امضا کنندگان:

وحید اردلانی، رضا دهقانی، افشین عنایتیان، افشین اسانلو، شاهرخ زمانی، علی جباری، فیروز منصور، میثاق یزدان نژاد، صالح کهنل

بیستم دیماه ۱۳۹۱

مرخصی حق مسلم بهنام برای دیدار از جگرگوشه بیمارش است ما جمعی از زندانیان سیاسی رجائی شهر مطلع شدیم نیما پسر ۱۴ ساله تنها فرزند بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری که به ۵ سال حبس محکوم شده با بیماری سرطان بدخیم در بیمارستان بستری شده است، پزشکان معالج نیما اعلام کردند وی از نظر روحی برای اثر بخشی معالجه بشدت نیاز دارد بهنام در کنارش باشد اما مسئولان زندان اوین با هماهنگی اداره اطلاعات از دادن مرخصی به بهنام برای دیدار فرزند دلبندهش خودداری می کنند در حالی که حتی طبق قوانین موجود این حق مسلم بهنام می باشد مخصوصاً حالا که پاره تنش در شرایطی بسیار سختی بسر می برد. ما ضمن محکوم کردن عمل غیرانسانی رژیم جمهوری اسلامی

نامه زندانی سیاسی دربند بهنام ابراهیم زاده ”رنج زندان را تحمل می کردم، ناگهان کوهی از اندوه بر من آوار شد“

وضعیت ایشان استمداد می کنم. چه کسی گمان می کرد کسی که سالها در عرصه کودکان و کارگران تلاش و مبارزه کرده است برای عقیده اش و دفاع از کودکان به زندان بیفتد و بشنود که مردم دلسوز دوستان و رفقا گروه گروه به دیدن فرزند بیمارش می روند اما خودش در حسرت کشیدن دست بر پیشانی داغ فرزندش محروم بماند. من ایستادگی و مقاومت می کنم که تا به حال کرده ام، اما چه کسانی باید پاسخ این همه بی عدالتی و رنج را بدهد چه کسی مسئول وضع پیش آمده برای فرزندم نیما است. من امیدوارم به همت دستان توانمند و مهربان پزشکان و پرستاران و امیدوارم به همت دوستان و رفقا و همکارانم و مردمان خوب و دلسوز کشورم، من از همه کسانی که طی این چند روز جویای حال فرزندم بوده اند و به دیدار خانواده و فرزندم رفته اند نهایت تشکر و قدردانی می کنم. من از تمامی پزشکان و پرستاران بیمارستان محک و همه کسانی که برای بهبودی وضعیت فرزندم تلاش کرده و قدمی برداشته اند و بر می دارند قدردانی و سپاسگزاری می کنم به امید بهبودی هر چه سریعتر فرزندم نیما ابراهیم زاده و تمامی کودکان (اسعد) بهنام ابراهیم زاده زندانی سیاسی دربند دی ماه ۹۱- زندان اوین بند ۳۵۰



حرف تحویل گرفته باشم. در این شرایط و با هزاران خیال که درباره فرزندم نیما در سر دارم یادآوری وعده های توخالی گذشته مسئولان رنج مرا به دردی جانکاه تبدیل کرده است. من باید در کنار فرزند بیمارم باشم این حق من است من یک بیماری فرزندم همه چیز را در برابرم تیره و تار کرده است، چندین اقدام در برابر من قرار دارد که یکی از آنها اعتصاب غذای خشک کامل است. شاید جوابی بگیریم. خود صبر و تحمل را می پسندم همراه با فشار و مقاومت، اما همه چیز ممکن است اتفاق بیفتد. با این همه محرومیت از غذا، مرخصی، ملاقات مناسب و تلفن، امکانات درمانی، ... حالا محرومیت از حق بودن در بالای سر فرزند بیمارم می خواهد مرا از پای در آورد.

من با تاکید بر درخواستم برای مرخصی و دیدار با فرزندم ایستادگی می کنم اما در همان حال از همگان برای دفاع از حقوق فرزندم و بهبود

نمی دانم کی، شاید ۸-۹ روزه است، شنیده ام تنها فرزندم نیمای سیزده ساله ام که غم دوری از پدر و محرومیت از همه حیث او را فرا گرفته بود به بیمارستان کودکان محک اعزام شده است، آنجا بیمارستان کودکان سرطانی است. تجربه ای تلخ و لحظات تکان دهنده ای که تا عمق روح و روانم نفوذ کرده است. من از وضع این امید دلبندم چیزی نمی دانم، همسرم به روشنی بیان نمی کند فقط آرزو دارد که هر چه زودتر به مرخصی برای دیدن آنها بیایم. برای این منظور درخواست مرخصی کرده ام که مسلماً موافقت با این درخواست تاثیری عمیق بر من و فرزند بیمارم می گذارد.

این تنها لحظه ای در زندگی یک پدر است که مایل نیست تحت هیچ شرایطی آن را از دست بدهد. به همین منظور به لطف دوستان و وثیقه ای ملکی دست و پا کرده ام و مثل همیشه که برای رفع محرومیت ها اقدام می کردم جواب مساعدی هم شنیده ام. اما شاید این بار نیز فقط

تورر فعالین حزب کارگران کردستان (پ ک ک) را محکوم میکنیم!



سیاسی برای جریانات اپوزیسیون نخواهد داشت.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ترور این سه فعال سیاسی را بشدت محکوم می کند. دولت فرانسه موظف است که نتایج تحقیق در باره این ترور جنایتکارانه را بدور از هرگونه مصلحت سیاسی اعلام نماید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ ژانویه ۲۰۱۳

۲۴ دیماه ۱۳۹۱

روز چهارشنبه ۹ ژانویه ۲۰۱۳ سه نفر از فعالین سیاسی حزب کارگران کردستان (پ ک ک) سکینه جانسیز، فیدان دوغان و لیلا سولماز در ساختمان مرکز اطلاعات کردستان در شهر پاریس به ضرب گلوله به قتل رسیدند. این اقدام تروریستی توسط هر جریان، دولت و یا شبکه ای انجام گرفته باشد، یک جنایت آشکار است و باید قاطعانه محکوم شود. این قتل سیاسی را باید در زمره ترور سایر فعالین سیاسی در خارج کشور قرار داد. چنین اعمال شنیعی نتیجه ای جز اشاعه تروریسم و ایجاد فضای ناامن

شهر مریوان وارد ...

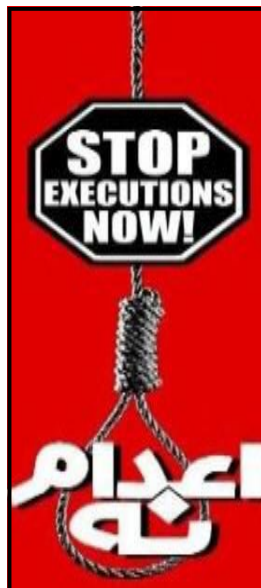
میفرستد و دست تک تک شرکت کنندگان در اعتصاب و صدها نفر از فعالین علیه اعدام که این روزها فعالانه برای این اعتصاب تلاش کردند را میفشارد.

زنده باد مردم آزاده مریوان
زنده باد جنبش بین المللی علیه اعدام
عکس و گزارش مشروح این اعتصاب را در اطلاعیه های بعدی به اطلاع خواهیم رساند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۲ ژانویه ۲۰۱۳
۲۳ دیماه ۱۳۹۱

بپیوندند و علیرغم همه تهدیدها و تلاش های سرکوبگران جمهوری اسلامی تصمیم آزادیخواهانه و مهم خود را عملی کردند. طبق این گزارش از جمله در خیابان جمهوری، شهرک صنعتی، بلوار رسالت، میدان جهاد و همینطور مجتمع ها و پاساژها و بازار کاملاً تعطیل شده است.

بدینترتیب مردم مریوان پرچم نه به اعدام را امروز برافراشتند و جنبش علیه اعدام این جنایت آشکار دولتی را گام مهمی به جلو بردند. کمیته بین المللی علیه اعدام به مردم مبارز و آزادیخواه مریوان درود



زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!



مراسم اول ماه مه در سال ۱۳۶۸ جشن باشکوه اول ماه مه در سنندج

کارگران سنندج در سال ۶۸ همچون سالهای پیش و آماده تر از گذشته به استقبال اول ماه مه میروند. از چند روز قبل از اول ماه جنب و جوشی تازه محلات کارگرنشین شهر را فرا گرفته بود. بحث حول اول ماه و چگونگی برگزاری آن به بحث گرم همه محافل و اجتماعات کارگری تبدیل میشود. در تدارک گرامیداشت این روز اقداماتی در سطح شهر صورت گرفت. تراکت و اطلاعیه وسیعاً در سطح شهر پخش گردید. در این تراکتها از کارگران خواسته شده بود تا در روز کارگر را تعطیل کنند، مراسم و جشن مستقل خود را بر پا دارند و مراسم دولتی را بطور یکپارچه تحریم نمایند.

با نزدیک شدن اول ماه سراسر شهر و محلات و مراکز کارگری سیمای دیگری بخود میگرفت. شور و شوق و شادی در همه جا موج میزد. همه چیز حاکی از این بود که امسال هم مراسم اول ماه، با شکوه بسیار برگزار خواهد شد.

این اوضاع مثل سالهای گذشته عوامل جمهوری اسلامی را به تقلا و دست و پا زدن انداخت تا به هر نحو که شده از برگزاری مراسم مستقل کارگری جلوگیری کنند و کارگران را به مراسم دولتی بکشانند، اما هوشیاری و اقدامات کارگری تمام تقلاها و توطئه های نیروهای رژیم را خنثی کرد. کار ما از سالها قبل دشوارتر بود. اما با این وجود هیئت برگزاری اول ماه مه انتخاب شد. قبلاً هیئت برگزاری با ابتکارات اتحادیه صنعتگر و جمعی از فعالین کارگری انتخاب میشد. اما در سال ۶۸، اتحادیه صنعتگر تعطیل شده بود. و اینبار هیئت برگزاری و تدارک اول ماه مه از طریق صندوقهای مالی کارگری که در شهر سنندج بودند، و با برپایی مجمع

جنبش اول ماه مه در کردستان تهیه و گردآورنده: نسان نودینیان / بخش هفتم

سالن ورزشی تختی را به صحنه نمایش قدرت متحد خود تبدیل کردند که پیش از آن توانسته بودند همه موانع، سنگ اندازیها و تهدیدات اداره کار سنندج را با دفت و هوشیاری خنثی کنند. کارگران به اداره کار مراجعه کردند تا محلی را برای مراسم شان بگیرند. زمانی که عوامل رژیم از کشاندن کارگران به مراسم دولتی سرخورده شده بودند، کوشیدند تا با سنگ اندازی از برگزاری مراسم مشتعل کارگری جلوگیری کنند. از جمله گماشتگان جمهوری اسلامی در اداره کار اعلام داشتند که آن زمان مکانی را برای مراسم در اختیار کارگران قرار خواهند داد که مشخصات کامل سخنرانان را به آنها تحویل دهند. اما کارگران به این شرایط اداره کار گردن نگذاشتند. کشمکش بین کارگران و اداره کار در این رابطه تا ظهر روز ۱۱ اردیبهشت ادامه یافت. در این حین کارگران می دانستند رژیم تسلیم نخواهد شد، تصمیم گرفتند خودشان راساً محلی را برای برگزاری مراسم تعیین کنند و در این مورد سالن ورزشی تختی را انتخاب کردند. این خبر به سرعت در میان کارگران شهر پیچید. کارگران در ساعت یک بعدازظهر دسته دسته به سمت سالن تختی به حرکت درآمدند.

تجمع بزرگ کارگران و مردم شهر سنندج در سالن ورزشی تختی، و برگزاری جشن باشکوه اول ماه مه!

کارگران در ساعت یک بعدازظهر دسته دسته به سمت سالن تختی به حرکت درآمدند. ساعت سه بعداز ظهر کارگران درب سالن را در اختیار خود گرفتند. با افزایش تعداد کارگران و شروع مراسم، گشتی های رژیم که قبل از آن به اجتماع کارگران نزدیک شده و به بازدید کارتهای شناسایی پرداخته بودند، تا پایان کار جرات نزدیک شدن به محل را نیافتند. کارگران به محض در اختیار گرفتن سالن فوراً شروع به تزئین و آماده ساختن کردند. تراکت و پلاکاردهای متعددی در سالن نصب شد.

روی بعضی از پلاکاردها اینطور نوشته شده بود: "کارگران جهان متحد شوید"، "گرامی باد ۱۱

اردیبهشت روز جهانی کارگر"، "ما کارگران صنعتی خواهان تعطیل روز جهانی کارگر هستیم"، "ما کارگران کردستان پشتیبانی خود را از مبارزات کارگران فلسطین اعلام میداریم"، "زنده باد روز کارگر"، "زنده باد اتحاد و مبارزه متحدانه کارگران"، "راه ما در اتحاد ماست" در روی این پلاکاردها که با ستاره سرخ تزئین شده بودند، امضا کارگران سنندج بچشم میخورد.

ساعت سه بعدازظهر در حالی که چند هزار زن و مرد و پیر و جوان در داخل و اطراف سالن اجتماع کرده بودند. در میان شور و استقبال حاضرین مراسم آغاز شد. در ابتدا یکی از شرکت کنندگان در مراسم خوش آمد گفت، سپس به احترام کارگران جانباخته شیکاگو و همه جانباختگان راه رهایی طبقه کارگر یک دقیقه سکوت اعلام گردید و سخنرانان یکی پس از دیگری صحبت کردند.

ابتدا جمال چراغ ویسی در مورد تاریخچه اول ماه مه سخنرانی کرد. جمال در صحبتهای خود اشاره به چگونگی مراسم روز جهانی کارگر توسط کارگران همه کشورهای جهان و عنوان این مسئله که کارگران با تعطیلی و توقف کار و تولید در چنین روزی قدرت متحد خود را به نمایش میگذارند، از جمله گفت: "این روز برای ما کارگران فرصتی است تا قدرت متحد خود را به نمایش درآوریم و این واقعیت را اثبات کنیم که همه ثروت های این جهان حاصل کار ماست! جمال سخنرانی خود را در میان شور و شوق و تشویق زنان و مردان حاضر در سالن به پایان برد.

دومین سخنران، باز هم جمال چراغ ویسی بود که درباره ضرورت متشکل بودن کارگران صحبت کرد. جمال با اشاره به محدودیتهایی که از جانب دولت و سرمایه داران بر سر راه ابراز وجود فعالیت اجتماعات و تشکل های کارگری ایجاد می کنند، پیرامون اهمیت برپایی شورا و مجمع عمومی و امکان پذیر بودن آن با تکیه به نیروی کارگران توضیحاتی داد. وی سپس در باره بیمه بیکاری صحبت کرد و گفت: ما خواهان آن هستیم که به کارگران بیکار، همه کسانی که از داشتن شغل محرومند، بیمه بیماری داده شود. ما در درجه اول باید کار داشته

باشیم، دولت باید ما کار بدهد، اما در صورتیکه شغل برای ما تامین نشود، باید بیمه بیکاری به ما پرداخت گردد. جمال در ادامه صحبت هایش گفت: بنا به آمار دولتی تنها ده هزار کارگر بیکار در کشور وجود دارند که واجد شرایط دریافت بیمه بیکاری هستند اما همه ما می دانیم که این آمار واقعیت ندارد چرا که تنها در همین شهر سنندج بیشتر از ده هزار نفر کارگر بیکار داریم. جمال در میان تشویق حاضرین سخنرانش پایان یافت.

موضوع سومین سخنرانی که از جانب یکی از کارگران ایراد شد، صحبت در مورد ستم و تبعیضی بود که در جامعه نسبت به زنان اعمال میشود. این سخنران تاکید کرد لازم است کارگران برای بدست آوردن برابری زنان هم طبقه ای خود در همه عرصه های کار و زندگی اجتماعی مبارزه کنند.

بعد از آن کارگر ۱۵ ساله ای درباره کار کودکان و جوانان کمتر از ۱۸ سال سخنرانی کرد وی به تفصیل توضیح داد که چگونه سرمایه داران از تنگدستی خانواده های کارگری برای استثمار فرزندان شان استفاده میکنند. این رفیق کارگر تاکید کرد بجای اینکه کودکان و جوانان در این سنین با بهره گیری از امکانات جامعه درس بخوانند و برای ارتقا توانایی و استعداد های انسانی خود بکوشند، سرمایه داران آنها را از آغوش خانواده هایشان بیرون کشیده و در بازار پر مشقات کار استثمار میکنند.

در قسمت پایانی مراسم قطعنامه ای ۲۳ ماده ای قرائت شد و حاضران با کف زدن آنرا تایید کردند. در حین خواندن قطعنامه، متن چاپ شده آن نیز در میان شرکت کنندگان توزیع میشد.

در طول مراسم و در فاصله سخنرانی ها چند نفر از کارگران با خواندن سرود و ترانه شور و شوق بیشتری به مراسم بخشیده بودند. همچنین توسط چند تن از کودکان کار یک سرود اجرا گردید. در طول مراسم همچنین با شربت و شیرینی از شرکت کنندگان پذیرایی شد. مراسم با خواندن سرود "آتش سرخ" از جانب یکی از کارگران و هم آوایی ظنین انداز سایر کارگران خاتمه پیدا

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

سوالاتی دارید می‌توانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

از صفحه ۵ جنبش اول ماه مه در کردستان

اتحاد، "زنده باد سوسیالیسم"، "سینه ما سپر شده گلوله بی اثر شده". این راه پیمایی تا ساعت ۶ عصر ادامه یافت و در میان شوق و شادمانی کارگران و مردم شهر پایان یافت.

مراسم روز جهانی کارگر در کارخانه شاهو!

مراسم در کارخانه شاهو از ساعت ۱۲ ظهر اول مه شروع شد. در این مراسم کارگران کارخانه شاهو علاوه بر سخنرانی تنی چند از کارگران و پخش شیرینی و شربت و خواندن سرود قطعاتمه ای ۱۶ ماده ای خوانده شد. و مورد تصویب کارگران شرکت کننده قرار گرفت. ادامه دارد

کرد. بدین ترتیب مراسم پر شکوه جشن جهانی کارگران که با شرکت هزاران زن و مرد کارگر و علی‌رغم تمام کارشکنی‌ها و توطئه‌های مسئولین دولتی در سالن ورزشی تختی بر پا شده بود، در میان خواندن سرود و سر دادن شعارهای "اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد" و "اتحاد مبارزه پیروزی" به پایان رسید.

تظاهرات و راه پیمایی در روز اول ماهه!

بعد از تمام شدن مراسم سالن تختی، موجی از انسانهای شریف و زحمتکش، سالن ورزشی تختی را به سمت کوچه و خیابانهای شهر ترک گفتند تا با تظاهرات و راه پیمایی پر



انجمن مارکس (کانادا) برگزار میکند

موضوع:

کمونیسم در يك نقطه عطف تاریخی
بحثی درباره آغاز دوره تازه در شرایط جهانی و نقش و جایگاه کمونیسم کارگری

* گذار از "نظم نوین" جهانی به انقلابات نوین

* ویژگیهای دوره تازه و مضمون و خصوصیات انقلابات نوین

* زمینه ها و شرایط اجتماعی - اقتصادی شکلگیری کمونیسم های غیر کارگری در دوره گذشته

* نگاهی به تاریخچه کمونیسم کارگری. زمینه های سیاسی یا بمیدان گذاشتن کمونیسم کارگری در مقطع

فروپاشی بلوک شوروی و روند تحولات درونی کمونیسم کارگری در دو دهه گذشته

* زمینه های رشد و عروج کمونیسم کارگری در شرایط تازه جهانی

سخنران: حمید تقوایی

زمان: شنبه ۱۹ ژانویه ۲۰۱۳، ساعت ۱۲ تا ۵ بعد از ظهر

مکان: تورنتو

East York Civic Centre
850 Coxwell Ave.
(North West Corner of Coxwell and Mortimore Ave.)
Chambers Room

ورودی: ۵ دلار

مسئول انجمن مارکس کانادا

محسن ابراهیمی

ebrahimi1917@gmail.com

۹ ژانویه ۲۰۱۳

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!